

## سخن سردبیر

محیط زیست به عنوان موهبتی الهی در اختیار بشر قرار گرفته است؛ با این حال مشکلاتی که امروز در ارتباط میان بشر و محیط زیست وجود دارد به بیشترین حد خود رسیده است. شواهد علمی نشان می‌دهد که تخریب محیط زیست و حتی نابودی طبیعت روند افزایشی پیدا کرده و چنانچه با این سرعت پیش رود، ادامه‌ی حیات انسان را با مشکل رو به رو خواهد کرد. ما امروزه در همه جا با مسایل و مشکلات محیط زیستی مواجهیم. هیچ جامعه‌ای نیست که با مشکلات محیط زیستی دست و پنجه نرم نکند، هر چند که شدت و عمق این مشکلات و به ویژه نحوه‌ی مواجهه با آن، از یک جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. مهمترین دستاورد علمی در عصر حاضر این است که نشان داد بسیاری از مشکلات محیط زیستی دارای راه حل می‌باشد و برای حل مشکلات محیط زیستی نقش جامعه و مردم بسیار اساسی است. در واقع، جامعه‌ی جدید همان‌طور که در بروز و شکل‌گیری مشکلات محیط زیستی نقش دارد، در حل مشکلات محیط زیستی نیز می‌تواند ایفای نقش نماید. در تبیین وضعیت محیط زیست یا به عبارت دیگر، در بیان علل بروز مسایل محیط زیستی، پیامدها و راه حل‌های آن، رشته‌های مختلف علمی، رویکردها و نظریات مختلفی دارند.

بی‌شک، از میان رشته‌های مختلف علمی، علوم طبیعی به صورت کلی، قدیمی‌ترین جایگاه را در تبیین مسایل محیط زیست داراست و در مقابل علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی محیط زیست، نسبتاً متأخر بوده و از دهه‌ی ۶۰، به عنوان یک رشته‌ی مستقل علمی شروع به کار کرده و با وجود تعاریف مختلف، می‌توان گفت به رابطه‌ی متقابل نظام‌های اجتماعی و نظام‌های طبیعی می‌پردازد. وقتی سخن از نظام به میان می‌آید، یعنی با پدیده‌ای سر و کار داریم که دارای عناصر و مؤلفه‌های مختلف بوده و نوع ارتباط آنها به گونه‌ای است که در نهایت به ایجاد یک نظم نهایی رسیده و موجب دوام و بقای آن می‌شود. در این جا، ما با دو نوع نظام سر و کار داریم: نظام طبیعی که مشخصاً موضوع علوم طبیعی است و نظام اجتماعی که مشخصاً موضوع علوم اجتماعی است. در جامعه‌شناسی محیط زیست است. آنچه برجسته به نظر می‌آید مطالعه روابط میان این دو نوع نظام است؛ لذا محقق جامعه‌شناس با یک موضوع بین رشته‌ای سر و کار دارد که از یک طرف نیازمند شناخت نظام‌های طبیعی است و از طرف دیگر، محتاج شناخت نظام‌های اجتماعی است؛ اما همان‌طور که آلن اروین جامعه‌شناس برجسته‌ی محیط زیست می‌گوید این موضوع امری دلهره‌آور است؛ چون امکان تسلط کامل یک فرد بر هر دو نظام طبیعی و اجتماعی مقدور نیست و یا بسیار نادر است. البته این قاعده برای همه‌ی علوم بین رشته‌ای صادق

است و مختص جامعه‌شناسی محیط زیست نیست. در نتیجه و در عمل، در هر حوزه‌ی بین رشته‌ای، متخصصان بر یکی از ابعاد تسلط کامل دارند و بر ابعاد دیگر آن حوزه تسلط نسبی و یا آشنایی نسبی. بدین ترتیب، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست یا شما جامعه‌شناس هستید که تسلط شما بر مبانی و پایه‌های جامعه‌شناسی است و در مقابل، نسبت به علوم طبیعی و علوم محیط زیستی از آشنایی نسبی برخوردارید، بدون آن که در آن زمینه متخصص باشید یا از پیش زمینه‌ی علوم طبیعی و به قول معروف محیط زیستی برخوردارید که در این صورت، نسبت به علوم طبیعی اشراف دارید، ولی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی فاقد تخصص کافی بوده و فقط با مبانی و نظریه‌های آن آشنا هستید. این امر از محدودیت‌های مسایل بین رشته‌ای است که جهان علم با آن کنار آمده و امید است در ایران نیز انتشار این دست مجلات علمی به توسعه‌ی هرچه بیشتر علوم بین رشته‌ای کمک نماید.

فصل‌نامه‌ی "جامعه و محیط زیست" اگر چه با نگاه بین رشته‌ای به مسایل و موضوعات محیط زیستی منتشر می‌شود ولی رویکرد علوم اجتماعی در این حوزه، رویکرد اصلی آن است تا محققان و صاحب نظران، عمدتاً با برخورداری از رویکردهای علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی محیط زیست، به مطالعه‌ی پدیده‌های محیط زیستی بپردازند؛ هر چند آشنایی آنها با پدیده‌های محیط زیستی می‌بایست در حدی قابل قبول برای صاحب‌نظران و متخصصان محیط زیست باشد. این امر از طرق مختلف، از جمله سبک نوشتار، مباحث مطروحه، رویکردهای علمی و تجزیه و تحلیل و ... مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این راستا، در نخستین شماره از فصل‌نامه‌ی "جامعه و محیط زیست"، تعداد شش مقاله برای انتشار انتخاب شدند و هریک از این مقالات، علمی مبتنی بر تحقیقات تجربی را ارائه داده‌اند.

مقاله‌ی اول با عنوان "بررسی فرایندهای اجتماعی آلودگی محیط زیست و فعالیت‌های کشاورزی (تحلیلی بر عادی سازی پیامدهای مواد شیمیایی در کشاورزی)" ضمن تأیید نظریه‌ی شنایرگ، مکانیسم‌های پنهان توجیه مصرف کودهای شیمیایی در کشاورزی را معرفی می‌کند. این ساز و کارهای پنهانی توجیه عبارتند از: ارائه‌ی اطلاعات مربوط به مواد شیمیایی، اطلاعات مرتبط با میزان ماندگاری و نفوذ سموم و کودهای شیمیایی در آب، هوا و خاک، و همچنین اطلاعات مربوط به تغییرات شیمیایی این مواد در ترکیب با آب.

مقاله‌ی دوم با عنوان "تحلیل کیفی ادراک دانشجویان از معنا و کنش نسبت به محیط‌زیست" نشان داد که ادراک مشارکت‌کنندگان بر اساس پارادایم مسلط اجتماعی با دو مقوله‌ی اصلی ادراک محیط‌زیست‌گرایانه و

انسان‌گرایانه شکل گرفته است. افزون بر این، ارزش‌ها و هنجارهای الگوهای رفتاری و جامعه‌پذیری از جمله عوامل مهم بر شکل‌گیری ادراک دانشجویان بوده و باعث بروز رفتارهای توده‌ای مبتنی بر هیجانات و تغییر رفتار تحت تأثیر شرایط مسلط شده است.

مقاله‌ی سوم با عنوان "تحلیل اجتماعی حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا" نشان می‌دهد که میزان حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا در حد متوسط رو به بالا بود. ضمن آنکه دانشجویان نگرشی مثبت نسبت به محیط زیست داشتند نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر این مسأله است که نگرش زیست محیطی، بیشترین تأثیر را بر حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا داشته است.

مقاله‌ی چهارم با عنوان "شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد زیست محیطی گزارشگری شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران با رویکرد تحلیل ساختاری" نشان داد که سطح افشای بعد زیست محیطی در شرکت‌های ایرانی پایین است و یافته‌ها بیانگر این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد زیست محیطی از نظر انتظارات ذینفعان عبارتند از: اخلاق کسب و کار، فساد و رشوه‌خواری و مشارکت در توسعه‌ی جامعه و همچنین بیشترین افشای بعد زیست محیطی در وضعیت موجود گزارشات شرکت‌ها به ترتیب: مؤلفه‌های مواد اولیه و انرژی و انتشار گازها، فاضلاب و ضایعات است.

مقاله‌ی پنجم با عنوان "فهم تعاملات ادراکی و رفتاری در عرصه‌ی محیط‌زیست (مطالعه‌ی موردی اعضای سمن‌های فعال محیط‌زیست)" نشان می‌دهد که درک و تصور فعالان محیط‌زیستی در دو دسته نگرش خاص-گرایانه (نگرش استعلایی زیست محیطی، اثرات بومراندگی) و نگرش عام‌گرایانه (نگرش انسان محوری و جامع‌نگرانه)، قرار می‌گیرد.

همچنین عوامل و دلایل این نوع درک و تصور در سه سطح خرد (بر حسب شرایط و علائق)، سطح میانه (شامل جامعه‌پذیری دوران کودکی، شرایط محیطی) و سطح کلان (تأثیرپذیری انفعالی و مشارکت فعال) مقوله بندی شد. راهبردهای ارائه شده به منظور فهم تعاملات ادراکی و رفتاری اعضای سمن‌های فعال محیط‌زیست در دو دسته مکانیسم کوتاه مدت (اقتدار و اجبار) و مکانیسم بلند مدت (توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی آموزشی) جای گرفت.

مقاله‌ی ششم با عنوان "بررسی جایگاه پارادایم بوم‌شناختی جدید در بین شهروندان اصفهان" نشان داد که پارادایم بوم‌شناختی جدید در بین شهروندان اصفهانی مورد پذیرش است؛ با این جزئیات که آنها به تعادل در طبیعت و محدودیت‌های رشد باور دارند، ولی نسبت به این دیدگاه که طبیعت برای همه‌ی موجودات است دیدگاه تنگ‌نظرانه‌ای دارند؛ ضمن آنکه افرادی که از آگاهی زیست‌محیطی بالاتری برخوردارند پارادایم بوم‌شناختی جدید را بیشتر می‌پذیرند.

در این جا، فرصت را غنیمت شمرده و اعلام داشته که فصل‌نامه‌ی "جامعه و محیط زیست"، از همه صاحب‌نظران، اندیشمندان، محققان و پژوهشگران دعوت به عمل می‌آورد تا با آرایه‌ی آخرین یافته‌ها و دستاوردهای علمی خود اعم از نظری و تجربی در تبیین نسبت "جامعه و محیط زیست" آن هم در مصادیق مختلف، نقش و سهم اساسی ایفاء کنند.

### دکتر صادق صالحی

استاد جامعه‌شناسی محیط زیست